

## آسیب شناسی تصحیح و چاپ متون بایسته ها و شایسته ها (۱۳)

عمرشان از دویست سال نمی گذرد، برای خود تاریخ و تمدن جعل می کنند؛ مفاخر ایرانی را عرب می خوانند و تاریخ التراث العربی می نویسند. حال ما با پیشینه تمدنی هفت هزار ساله، دست از پژوهش در آثار پیشینیان خود برداریم؟ اکنون در روزگاری بسر می بریم که غربیان جهانخوار ساحره سینمای جادویی هالیوود را واداشته اند تا با ساختن فیلم ۳۰۰ ملت ایران را ملتی وحشی و بی فرهنگ جلوه دهند و با تحریف نام خلیج فارس، کشورهای عربی همسایه را علیه ما برانگیزانند و حتی در موزه های خود خلیج عرب را جایگزین خلیج فارس می کنند تا پیشینه فرهنگی ما را زیر سؤال ببرند. گل نهشته های دوره هخامنشی را مصادره می کنند تا مبدا مردم دنیا دریابند که مردم ایران، یکی از تمدن های بزرگ تاریخ بشری بوده است.

حال سراغ مولانا و فارابی و بیرونی و رودکی و نظامی گنجه ای می روند؛ یا ترک و ازبک و تاجیک و آذربایجانی (کشور) می دانند یا عرب و غیر ایرانی. البته بحث درباره اینکه اینان زمانی در قلمرو ایران فرهنگی (نه سیاسی) فعلی می زیسته اند، بر همگان پر واضح است و اینکه زبان و آثار فارسی اینان، بهترین گواه بر این مدعاست؛ چه این که خود آنها قرن هاست که گفته اند و اکنون هم می گویند که از کجایند نه اینکه دیگران برای آنان تعیین تکلیف کنند.

۲. با این حال هنوز آثار چاپ نشده از بزرگان بسیار است و جای شگفتی و تأسف است که چرا در طول یکصد سال اخیر نسبت به احیای موارث علمی و فرهنگی ایران و اسلام اینقدر کم توجهی شده است. البته آنچه که شده در مؤسسات فرهنگی گذشته، هر چند مغتنم است و ستودنی، لیکن چنانکه از پیشکسوتان شنیده می شود، کار آنها نیز حاصل

۱. روزی دوستی نه چندان آشنا با میراث و وظیفه میراثبانی ما، از من پرسید: آیا نسل کنونی ما عاجز از این هستند که مانند این نسخه های خطی که شما منتشر می کنید، تألیف کنند؟ این پرسش مرا به فکر فرو برد و پس از پرسش او، نام کسانی در ذهنم خطور کرد که اکنون از نخبگان و خبرگان جوان عصر حاضر هستند که چه بسا چنان قابلیت هایی که آن دوست می گفت را دارند و بلکه بیشترش را، منتها اینکه چرا بذری در خاکی یا نهالی در مغرسی شکوفا می شود و در جای دیگر کوشش زارع بی چاره، به جایی نمی رسد، مسأله اینجاست. برای یافتن پاسخ دقیق به این پرسش، باید عامل و عوامل رشد و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی خصوصاً در قرون چهارم تا ششم، از خلال مطالعه متون تاریخی و علمی نگارش یافته در این دوران نگاه کنیم، بی شک یکی از عوامل شکوفایی استعدادها و نبوغ دانشمندان مسلمان ایرانی، اعتناء و اعتماد و اعتباری بود که برای آنان قائل بودند. آن زمان ملاک و معیار افراد، به علم و دانش و سواد آنها بود نه مدرک و لقب و شهرت و قبولی در کنکور. علم و دانش مورد توجه و عزت و احترام بود نه دانشمندانها. از این رو برای رسیدن به آن عزت علمی چاره ای جز ایجاد جامعه نخبه محوری نداریم. جامعه ای که تخصص و تبحر علمی در تمام سطوح مدیریتی جامعه حاکم گردد و علم نشان عالمان باشد نه مدرک نشان عالمان.

و من البته از سر تعجیل به او گفتم: دوست عزیز! وظیفه ما این است که با روشهای علمی، دانش و فرهنگ ایرانی را در حافظه تاریخی و تمدنی خود باز کاویم تا دستاوردهای علمی و فرهنگی و اندیشگی نیاکان خود را برای نسل امروز معرفی کنیم. ما اکنون در دنیایی به سر می بریم که کشورهایایی که

خون دل خوردنهای بسیار بوده است، همراه با کارشکنی‌های رژیم پهلوی که مدعی بود حافظ زبان و فرهنگ ایرانی است. بنیاد فرهنگ ایران در ۱۵ سال ۲۵۰ عنوان (۳۰۰ جلد) کتاب چاپ کرد و ۹۰ متن کهن را منتشر نمود و اگر نسبت به چاپ متون عربی فرهنگ ایرانی بی‌مهری ورزید، ظاهراً برای این بود که مأمور بودند و معذور!

پس از انقلاب تحوّل‌ی شگفت و شگرف در تنقیح و تصحیح و انتشار متون در سراسر کشور پدید آمد. حجم کارهای انجام شده، چنان فزونی گرفت که گوی سبقت را از حمایت متولیان فرهنگی ربود. پیشکسوتان عرصه پژوهش میراث با دلگرمی مجدداً به تصحیح روی آوردند، جوانان ذوق و شوقی یافتند و در کمیّت از بزرگان این فن پیشی گرفتند. حجم پایان‌نامه‌های دانشجویی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری که به تصحیح متون اختصاص یافت، چندان رونق گرفت که البته باید در مسیر صحیح، راهنمایی و هدایت شود. زیرا چه بسیار آثاری که تصحیح می‌شود که نسبت به کاری بایسته‌تر و شایسته‌تر، ارجحیت ندارد و قابل انتشار نیست. وظیفه استادان در هر رشته علمی است که در فهارس نسخه‌های خطی بگردند و آثار درخور تحقیق را شناسایی و معرفی کنند.

۳. از جمله مباحثی که در حوزه متن پژوهی مورد بی‌مهری قرار گرفته «تاریخ علم» در ایران و فرهنگ اسلامی است. هنوز بسیاری از آثار بزرگانی چون ابن سینا و خواجه نصیر و قطب الدین شیرازی و غیاث الدین جمشید کاشانی و ده‌ها دانشمند ایرانی دیگر تصحیح و چاپ نشده و مورد غفلت مورخان تاریخ علم قرار گرفته است. متأسفانه موضوع تاریخ علم در کشور ما متاع بی‌مشتري بوده، به همین دلیل

شمار استادان و محققان تاریخ علم در ایران شاید از عدد انگشتان تجاوز نکند و این هم دلیل دیگری بر مظلومیت متون علمی در عصر حاضر است. گرچه سه چهار سالی است پژوهشکده تاریخ علم در دانشگاه تهران راه اندازی شده و اکنون چندین رساله و متن کوتاه علمی به دست فارغ‌التحصیلان این پژوهشکده تصحیح شده و کم‌کم در میراث مکتوب روانه چاپ می‌شود و نیز خوشبختانه اخیراً دوره دکتری تاریخ علم در پژوهشگاه علوم انسانی به تصویب رسیده که امید می‌رود با رویکرد به تاریخ علم، جنبشی در این باره در ایران حاصل گردد.

۴. علاوه بر تاریخ علم، متون جغرافیایی ایران و اسلام هم مورد غفلت و بی‌مهری قرار گرفته است. علم جغرافیا نقشه فرهنگی و سیاسی ایران را حتی به اعتراف محققان غیر ایرانی تبیین می‌کند، صرف‌نظر از حدودالعالم چاپ مینورسکی و استاد منوچهر ستوده و ترجمه المسالک و الممالک و نسخه دیگرش ممالک و مسالک تصحیح استاد ایرج افشار و جغرافیای حافظ ابرو چاپ میراث مکتوب، هنوز کارهای چاپ نشده بسیار است.

اخیراً عزم خود جزم کرده‌ایم که در این باره کوششی بایسته کنیم. کتابهای چاپ نشده الاقالیم اصطخری و انس‌المهج و نزهة المشتاق ادریسی را برای پژوهشی در ردیف کارهای خود قرار دادیم تا به یاری و همت استادان این فن، نقشه‌های این آثار نقد و بررسی و تحقیق شود، در پایان یادآوری می‌کنم سه جلد دیگر جغرافیای حافظ ابرو (بخش خراسان بزرگ) به تصحیح جناب سیدعلی آل داوود در دست نهایی شدن است و امیدواریم تا پایان سال جاری آماده چاپ گردد.

